

اعجاز قرآن

نوشته: ریچارد مارتین

ترجمه: سید علی آقای

اشاره

مسئله اعجاز قرآن و ابعاد آن از دیرباز موضوع بحث و مناقشه در میان عالمان مسلمان بوده است. با اینکه قدمت و خاستگاه اندیشه اعجاز به صدر اسلام باز می‌گردد، اما در طول سده‌های بعد با تطورات فراوانی همراه بوده و از جنبه‌های گوناگون کلامی و ادبی مورد تحلیل و مذاقه قرار گرفته است. نوشتار حاضر ترجمه مدخل اعجاز قرآن^۱ در دایرةالمعارف قرآن^۲ نگاشته پروفیسور ریچارد مارتین است که با نگاهی تاریخی به خاستگاه مسئله و نظریات مختلف ذیل آن از صدر اسلام تا دوران معاصر پرداخته است. پیش از ورود به ترجمه مقاله، دایرةالمعارف قرآن و نویسنده مقاله حاضر به اجمال معرفی شده‌اند.

۱. درباره دایرةالمعارف قرآن

این دایرةالمعارف نخستین دانشنامه کامل قرآن به زبان انگلیسی است که به سرویراستاری خانم جین دمن مک اولیف^۳ و با مشارکت بیش از دویست تن از اسلام‌پژوهان

1. Inimitability.

2. *Encyclopaedia of the Quran*.

3. Jane Dammen McAuliffe.

□ ۷۱ اعجاز قرآن

و قرآن پژوهان غربی و مسلمان از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ م از سوی انتشارات بریل در لایدن هلند تولید و منتشر شده است. این دایرةالمعارف پنج جلدی (به همراه یک جلد نمایه) حاوی افزون بر هفتصد مقاله در زمینه‌های مختلف قرآنی است. از جمله وجوه ممیزه مقالات این دایرةالمعارف - که درباره مقاله ترجمه شده نیز صادق است - می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اولاً نویسندگان مقاله‌ها خود متخصص و کارشناس همان حوزه پژوهشی‌اند و پیش از نگارش مقاله، تألیف یا تألیفاتی در آن زمینه در قالب مقاله یا کتاب داشته‌اند؛ ثانیاً رویکرد عمده در نگارش غالب مقالات این بوده است که گزارشی تاریخی از نظریه‌ها و آرای طرح شده در آن موضوع ارائه شود؛ بنابراین از موضع‌گیری و جانب‌داری از یک نظریه خاص پرهیز شده است. ویژگی سوم تعداد زیاد ارجاعات موجود در هر مقاله به دیگر مقاله‌های همین دایرةالمعارف است که از یک سو موجب پیوستگی و انسجام درونی دایرةالمعارف شده و از دیگر سو خواننده علاقه‌مند را به جانب مطالب و موضوعات مرتبط رهنمون می‌سازد.

۲. درباره مؤلف مقاله

ریچارد مارتین دکتری خود را به سال ۱۹۷۵ در رشته زبان و ادبیات خاور نزدیک از دانشگاه نیویورک اخذ کرد. از آن سال به بعد در دانشگاه‌های آمریکا به تدریس و پژوهش مشغول بوده است. سالهای ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ عضو هیئت علمی گروه مطالعات ادیان دانشگاه ایالت آریزونا بود که شش سال (۱۹۸۳-۱۹۸۹) نیز مدیریت آن گروه را عهده‌دار بود. در سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۶ سرپرست پروژه‌های مطالعات دینی در گروه فلسفه و دین دانشگاه ایالت یووا شد. مارتین از سال ۱۹۹۶ به بعد (سه سال ۱۹۹۶-۱۹۹۹) در گروه دین و مرکز پژوهش‌های انسانی دانشگاه اموری در آتلانتا مشغول به کار شد. او همچنین حایز کرسیهایی در چندین هیئت علمی و شوراها پژوهشی در مؤسسات مطالعاتی از جمله عضویت در شورای اجرایی مرکز پژوهشی آمریکایی در مصر (American Research Center in Egypt) نیز هست. پروفیسور مارتین چندین سال در مصر و دیگر نقاط جهان اسلام زندگی کرده و به مطالعه و پژوهش پرداخته است و در انجام چند پروژه مشترک با دانشمندان مسلمان شرکت دارد. مطالعات اسلامی خصوصاً متون کلامی معتزلی و مجادلات ادبی - دینی

میان مذاهب و فرق اسلامی در سده‌های میانه، مطالعه تطبیقی ادیان و اخیراً رابطه دین و خشونت از جمله علاقه‌مندی‌های پژوهشی وی هستند. پژوهش اخیر او (سال ۲۰۰۶) درباره اسلام و سکولاریسم بوده و نیز مشغول به نگارش کتابی با عنوان جدال میان حوزه و دانشگاه است. وی در حال حاضر سردبیر دایرةالمعارف اسلام مک میلان (Macmillan Encyclopedia of Islam) و مجله Muslim World است و چندین مقاله و کتاب نگاشته است. برخی از آثار منتشر شده وی عبارتند از:

- The role of the Basrah Mu'tazilah in fomulating the doctrine of the apologetic miracle, in *JNES* 39 (1980), 175-189;
- *Approaches to Islam in Religious Studies*, Tucson 1985;
- *Islamic Studies: A History of Religions Approach*, Prentice-Hall 1996;
- *Defenders of Reason in Islam: Mu'tazilism from Medieval School to Modern Symbol*, Oneword 1997;
- *Islam and the Muslim World*, 2003.

از آنجا که مسئله اعجاز قرآن در حوزه پژوهشی پروفیسور مارتین قرار می‌گیرد. نگارش مدخل حاضر و نیز مدخل (تشبیه) (Anthropomorphism) و (خلق قرآن) (Createdness of the Qur'an) به وی سپرده شده که به حق از ادای آن برآمده است.

در ترجمه حاضر پاره‌ای تغییرات نسبت به اصل مقاله صورت گرفته است. از جمله به جای ترجمه انگلیسی آیات قرآن که در اصل بدانها استشهاد شده، عبارت عربی آیه در متن و ترجمه فارسی آنها در پاورقی ذکر شده است. نیز در مقالات این دایرةالمعارف ارجاعات داخلی به مداخل مرتبط با حروف بزرگ انگلیسی و داخل متن آمده که در ترجمه به پاورقی منتقل شده است. همچنین مترجم برخی مطالب و ارجاعات را در متن مقاله و پاورقی افزوده که میان کروشه [] قرار گرفته است.

همتا ناپذیری قرآن

اصطلاحی ادبی و کلامی برای خصوصیت بی نظیر گفتمان قرآنی

ریچارد مارتین^۱

گرچه در قرآن لفظ اعجاز نیامده است ولی هم خانواده فعلی آن از «أعجزه» به معنای «او را ناتوان و درمانده یافت؛ قدرت و توانمندی او را بی اثر کرد» (رک. Lane) به کار رفته است. «أعجز» و مشتقات مختلف آن شانزده بار در قرآن به کار رفته است. چهار مورد از آنها در قالب فعل مضارع (يُعْجِزُ) و دوازده بار اسم فاعل آن (مُعْجِزٌ) آمده است که البته هیچ کدام در سیاق مربوط به زیر سؤال بردن توانمندی انسان در ایجاد سخنی نظیر قرآن به کار نرفته است. دوبار کاربرد آن در آیه ۱۲ سوره جن نشان دهنده [معنای به کار رفته در] اغلب عبارات است: «وَأَنَا ظَنُّنَا أَنَّ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا».^۲ به ویژه چندین آیه بر ناتوانی انسان بر بی اثر کردن اراده خدا و عاجز کردن او دلالت می کند (برای نمونه انفال ۵۹؛ توبه: ۲، ۳).^۳ باب مفاعله از این ریشه (عاجز) به معنای «مبارزه کردن با کسی یا چیزی برای غلبه یافتن یا سبقت گرفتن از او / آن» سه بار در قرآن تکرار شده است. مثلاً آیات حج: ۵۰-۵۱ با منطبق زیر پیشینه قرآنی مهمی برای نظریه کلامی متأخر اعجاز قرآن فراهم می آورد: «فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ * وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ»^۴ (قس سبأ: ۵، ۳۸). این تعبیر زبانی در کنار نظام اعتقادی مبارزه با خدا و پیامبرش محمد [ص] در قالب معارضة با وحی الهی^۵ به زمینه‌ای مهم برای مباحث کلامی بعدی درباره اعجاز قرآن

1. Richard C. Martin.

۲. ما حقیقتاً می دانیم که هرگز نخواهیم توانست خدا را در زمین ناتوان سازیم و هرگز او را با گریز خود درمانده نتوانیم کرد (جن: ۱۲).

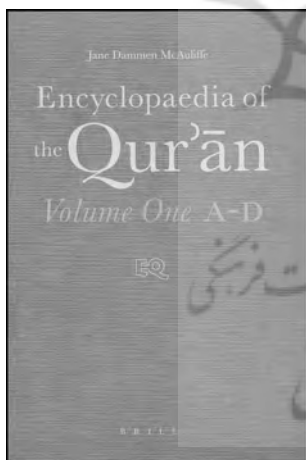
3. See IMPOTENCE.

۴. آنان که ایمان داشته و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و روزی فراوان از آن ایشان خواهد بود * و کسانی که در ابطال آیات ما می کوشند، اهل جهنم خواهند بود (حج: ۵۰-۵۱)؛ See BELIEF AND UNBELEIF: GOOD DEEDS.

5. See REVELATION AND INSPIRATION; OPPOSITION TO MUHAMMAD.

بدل شد.^۱

اگر از واژه «أعجزَ» و مشتقاتش بگذریم، چندین آیه قرآن در شرایطی نازل شده‌اند که محمد [ص] به فرمان خدا منتقدان عرب خود را به هم‌وردی فراخوانده است که سوره‌هایی نظیر قرآن بیاورند (بقره: ۲۳-۲۴؛ یونس: ۳۴؛ هود: ۱۳؛ اسراء: ۸۸؛ طور: ۳۳-۳۴). هیچ آیه‌ای از قرآن بر این موضوع دلالت ندارد که فردی از مستمعان کلام الهی این تحدی را اجابت کرده باشد، اما در منابع متقدم گزارشهایی از چندین اقدام در این باره یافت می‌شود. آیات تحدی، چنان که از نامگذاری آنها پیداست، به مثابه برهانی کلامی برای معجزه^۲ بودن قرآن تلقی شده‌اند. رأی متکلمان درباره اعجاز قرآن این است که قرآن همچون شکافتن دریای احمر به دست موسی [ع] و زنده کردن مردگان توسط عیسی [ع]، معجزه است و نشانه و حجتی این جهانی بر ادعای نبوت محمد [ص] محسوب می‌شود.^۳ اینکه آیا معجزات دیگری هم برای محمد [ص] لازم یا حتی عقلاً مقدور بوده است یا نه و اینکه آیا علاوه بر پیامبران، بزرگان دین هم قادر به آوردن معجزه هستند یا نه، محل نزاعهای جدی میان اهل سنت، شیعه و صوفیان بوده است.^۴



از سوی دیگر، قرآن آشکارا تأکید می‌کند که عبارات تشکیل‌دهنده قرآن در جزئی‌ترین قالبشان یعنی آیات (جمع آیه)، «نشانه‌های» خدا هستند؛ یعنی نشانه‌های فرابشری از وجود و فعل خدا در این دنیا. واژه آیه، که به معنای «آیه» قرآن هم هست، تقریباً ۲۷۵ مرتبه با معنایی از این دست: «كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ»^۵ (بقره: ۶۱)، در قرآن تکرار شده است. واژگان قرآنی دیگری که در گفتمان اولیه درباره معجزات به مثابه نشانه‌های الهی حضور

1. See CREATEDNESS OF THE QUR'ĀN.

۲. معجزه اصطلاحی تخصصی است که در کلام اسلامی برای «miracle» وضع شده است. (See (THEOLOGY AND THE QUR'ĀN).

3. See PROPHETS AND PROPHETHOOD.

4. See SUFISM AND THE QUR'ĀN; SHĪ'ISM AND THE QUR'ĀN.

۵. [یهودیان در سینا] نشانه‌های خدا را باور نداشتند (بقره: ۶۱).

□ ۷۵ اعجاز قرآن

دارد، از مادهٔ عجب و مشتقات آن است. سورهٔ یونس چنین آغاز می‌شود: «الرَّتِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ * أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ»^۱ (یونس: ۱-۲). در کتابهای کلامی مرتبط با اعجاز قرآن، کلمهٔ عجیبه (جمع: عجایب) اصطلاحی تخصصی است که بر شگفتی ویژه‌ای دلالت دارد. برای نمونه، فانوس دریایی افسانه‌ای اسکندریه^۲ و اهرام مصر در زمرهٔ عجایب قرار گرفته‌اند. در آثار کلامی، عجیبه عموماً به مصنوعات شگفت‌آور بشری نظیر ساختمانها و وسایل شگفت‌انگیز و عجیب یا آثار زیبای شاعران بزرگ اطلاق می‌شود. در مقابل، اصطلاح مُعْجِز بر معجزه‌های مأموریت داده شده از جانب خدا دلالت می‌کند و از این رو به چهره‌های دینی و به رأی برخی صرفاً پیامبران اختصاص دارد. همچنین واژهٔ عِلْم (جمع: أعلام، علامات) به معنای «نشانه‌ای که همچون علایم سامانهٔ ناوبری، راهبری و هدایت می‌کند» در قرآن آمده است (برای نمونه نحل: ۱۶؛ شوری: ۳۲؛ رحمن: ۲۴). این واژه نیز در آثار کلامی به کار رفته است ولی غالباً بر معجزه‌های الهی دلالت نمی‌کند.

زمینهٔ بحث اعجاز در آیات قرآن و عصر نزول

بحث و مناقشه دربارهٔ قرآن از همان زمان پیامبر [ص] در بین کسانی که آیات قرآن را می‌شنیدند، مخصوصاً در میان قبیلهٔ قریش در مکه، شکل گرفت که حاکی از آن است که تلاوت آیات قرآن بر شنوندگانش تأثیر داشته است. پاره‌ای از شواهد این امر، در قالب مخالفت همه‌جانبه با محمد [ص] و آیات قرآن دیده می‌شود. به ویژه آنکه درون‌مایهٔ غالب در نخستین سوره‌ها [ی نازل شده] انکار پیامبر و آیات قرآن است. قرآن چندین اتهام را نسبت به پیامبر و قرآنی که تلاوت می‌کرد و نیز طریقهٔ تلاوت او گزارش می‌کند. قرآن دربارهٔ یکی از کفار می‌گوید: «كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا»^۳ (مدثر: ۱۶) زیرا آنان با غرور از قرآن روی برگردانده بودند و می‌گفتند: «...إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ * إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ»^۴ (مدثر: ۲۴-۲۵). قرآن پاره‌ای

۱. الر، اینها نشانه‌هایی (آیاتی) از کتاب حکمت‌آموز است * آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم... (یونس: ۱-۲).

۲. این فانوس، خانه‌ای از عدسی بوده است و این امکان را فراهم می‌ساخته تا خروج دشمن از قسطنطنیه دیده شود.

۳. او در برابر آیات ما نافرمان و سرکش بود (مدثر: ۱۶).

۴. این [قرآن] جز سحری از پیشینیان نیست * این غیر از سخن بشر نیست (مدثر: ۲۴-۲۵).

از اتهاماتی را که کفار قریش به پیامبر [ص] نسبت می‌دادند، برشمرده است. در عبارات مختلف وی با طعنه کاهن^۱، شاعر^۲، و مجنون^۳ نامیده شده و آیات قرآن مُفتریات، قصص، افسانه و اساطیر خوانده شده است که او همگی را از انسانها فرا گرفته و تقلید کرده است (Boullata, Rhetorical interpretation, 140). قرآن خود، کاهن، مجنون یا شاعر بودن پیامبر را انکار کرده است (طور: ۲۹-۳۱؛ حاقه: ۴۱-۴۲). ردیه‌های متکلمان و ادیبان مسلمان در طول سه قرن بعد بر این افتراها و تهمت‌ها با رشد و توسعه نظریه ادبی - عربی ارتباطی تنگاتنگ داشت که در آن زبان قرآن الگوی ناب‌ترین و فصیح‌ترین گفتار عربی تلقی می‌شد.^۴ این مدعای متکلمان که قرآن اثر زبانی منحصر به فردی است که در میان انسانها، حتی افصح عرب بی‌همتاست، بخشی از شالوده فریه‌تر بحث اعجاز قرآن گردید.

در تأیید این باور که بیان قرآن در میان آثار زبانی عرب صدر اسلام یگانه بوده، روایاتی وجود دارد.^۵ به نقل سیره ابن اسحاق (متوفی ۱۵۱) (به ویرایش ابن هشام [متوفی ۲۱۸])، ولید بن مغیره، خصم مشهور پیامبر، به مخالفان محمد [ص] می‌گوید: «...گفتار او شیرین و دلنشین است، همچون درخت خرمایی که ریشه‌اش پر آب است و شاخه‌هایش به ثمر نشسته است و بطلان آنچه شما [در مخالفت با قرآن او] گفته‌اید، هویداست.»^۶ (ابن اسحاق، سیره، ج ۱، ص ۲۴۳ به بعد؛ Ibn Ishaq-Guillaume, 121؛ عبدالجبار، مغنی، ج ۱۶، ص ۲۶۸-۲۶۹). حکایتی مشابه نیز درباره عمرین خطاب پیش از پذیرفتن اسلام نقل شده است (ابن اسحاق، سیره، ج ۱، ص ۲۹۴ به بعد؛^۷ Ibn Ishaq-Guillaume, 156) گرچه رأی معتبر نزد دانشمندان مسلمان در صدر اسلام و سده‌های میانه این بود که شیوه بیان قرآن غالباً

1. See SOOTHSAYERS.

2. See POETRY AND POETS.

3. See INSANITY.

4. See ARABIC LANGUAGE; GRAMMER AND THE QUR'ĀN; LANGUAGE OF THE QUR'ĀN; LITERARY STRUCTURE OF THE QUR'ĀN.

5. See ORALITY AND WRITING IN ARABIA.

۶. [«والله إن لقوله لحلاوة، إن أصله لغدق وإن فرعه لجناً وما أنتم بقائلين من هذا شيئاً إلا عرف أنه باطل، وإن أقرب القول لأن تقولوا ساحر، فقولوا ساحر، يفرق بين المرء وبين أبيه، وبين المرء وبين أخيه، وبين المرء وزوجته، وبين المرء وعشيرته»، ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق المسماة بكتاب السير والمغازي، چاپ سهیل زکار، بیروت، ۱۹۷۸/۱۳۹۸، ص ۱۵۱].

۷. [ابن اسحاق، سیره، ص ۱۸۲-۱۸۳].

□ ۷ اعجاز قرآن

شبیبه سجع (قالب گفتاری نثر مسجع کاهنان)^۱ است، که مشخصه آن همگونی مصوت‌ها در پایان آیات است.

این مدعای کلامی که نمی‌توان همانند قرآن آورد، مأخوذ از معارضه در شعرسرای است که به منزله رسمی متداول به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد. معارضه بدین معناست که یک شاعر در هم‌وردی با شاعر دیگر تقلیدی قابل رقابت با شعر (معمولاً قصیده) او عرضه کند.^۲ نقایض^۳ (اشعار جدلی و هجوآمیز) که با حس اعتراض و رقابت شدیدتری عرضه می‌شوند، نیز از نظر مفهومی با این موضوع مرتبط است (Schippers, mu'āraḍa). اسناد مکتوب کافی برای تشخیص اینکه از چه زمانی مسلمانان یا غیرمسلمانان اقدام به هم‌وردی یا با دید منفی‌تر، نقیضه‌نویسی بر قرآن کردند، در دست نیست، گرچه گفته شده مُسیلمه، پیامبر دروغین^۴ در قرن نخست هجری، به قصد هم‌وردی با قرآن آیتی می‌خوانده است. عباراتی تقلیدی از قرآن که به یک ایرانی به نام ابن‌مُقَمِّع (متوفی حدود ۱۳۹) که اوایل خلافت عباسیان مسلمان شده، منسوب است، حاکی از آن است که تا قرن دوم هجری معارضه آیینی فرهنگی برای فخرفروشی یا هم‌وردی با اسلوب قرآن بوده است (van Ess, Some fragments). رابطه زبان‌شناختی معارضه با گفتمان کلامی پیرامون اعجاز قرآن در آثار مهم کلامی قرن چهارم یافت می‌شود. ابوبکر محمد بن طیب باقلانی (متوفی ۴۰۳)، متکلم اشعری، کتابی درباره اعجاز قرآن نگاشت که در آن از تلاشهای شاعران برای رقابت با معلقه، قصیده مشهور امرئ القیس (متوفی حدود ۵۴۰م) در بازار عکاظ یاد می‌کند. وی در مقایسه با تلاشهایی که برای رقابت با بلاغت و اسلوب قرآن صورت گرفته، اظهار می‌دارد که حتی فنون شاعرانه چهاره‌های شاخصی چون امرئ القیس «در مدار و چهارچوب مقدورات

1. See RHYMED PROSE.

2. See PRE-ISLAMIC ARABIA AND THE QURAN.

۳. [نقیضه (ج: نقائض)، واژگونه جواب شعر کسی را دادن و مناقضه، سخن برخلاف یکدیگر گفتن است. بدین معنا که شاعری شعری می‌گوید و شاعر دیگر در پاسخ رد به او نقیضه‌ای می‌سراید و مناقضه آن است که شاعری به شعر، آنچه شاعر دیگر گفته نقض و رد کند. البته در عرف ادبیات عرب، نقیضه در شعر جواب مخالف و جدی شعر دیگری است. برای اطلاع کامل‌تر و مفصل‌تر از کاربرد اصطلاحی این واژه در عربی، فارسی و زبانهای لاتین رک. مهدی اخوان ثالث، نقیضه و نقیضه‌نویسان، به کوشش ولی الله درودیان، تهران [۱۳۷۴].

4. See MUSAYLIMA AND PSEUDO-PROPHETS.

بشری قرار دارد و به گونه‌ای است که نوع بشر می‌تواند به رقابت با آن پردازد... درحالی که نظم قرآن، سنخی متمایز و اسلوبی ممتاز دارد که اثری به پای آن نمی‌رسد و بی‌رقیب است.»^۱ (نقل از: von Grunebaum, Tenth-century document, 60).

با توجه به این پیشینه، آیات تحدی که به موضوع فوق مربوط است، سنگ بنای نظری اعجاز قرآن شد. محمد [ص] آنان را که قرآن را به سخره می‌گرفتند یا با او مخالف بودند به هم‌وردی طلبید تا سنخی همتای قرآن عرضه کنند. نخست، در سوره‌طور آیات ۳۳-۳۴ مجموعه‌ای از نغمات ترکیبی^۲ بلاغی نثار مفتریان پیامبر شده است و در پاسخ کسانی که به وی تهمت می‌زنند که گفتار قرآن برساخته اوست (تَقَوْلُهُ)، آنان را به مبارزه دعوت می‌کند که اگر صادقانه سخن می‌گویند، کلامی همچون آن بی‌آورند (بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ).^۳ در آیه ۱۳ سوره هود در جواب آنان که به پیامبر اتهام می‌زدند قرآن را از خود ساخته (افتراه) آمده است: «... قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ... اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ». آیه ۳۷ سوره یونس دقیقاً به این تهمت که قرآن ساختگی است می‌پردازد: «وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ اَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيْقُ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيْلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ». در ادامه با لحنی طعنه‌آمیزتر از آیه ۱۳ سوره هود، هم‌ورد طلبی می‌کند: «اَمْ يَقُوْلُوْنَ اَفْتَرَاهُ قُلْ فَاْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَ اَدْعُوا مَنْ اَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ»^۴ (یونس: ۳۸). موضوع دعوت منتقدان قرآن به یاری خواستن از دیگران برای هم‌وردی و رقابت با آن، در مشهورترین آیه این باب تعقیب می‌شود و چنین تحدی می‌شود: «قُلْ لِّئِنْ اَجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلٰى اَنْ يَّاتُوْا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوْنَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِرًا»^۵ (اسراء: ۸۸). این که هیچ‌کس نخواهد توانست به پای کلام قرآن

۱. نگاه کنید به: باقلانی، اعجاز القرآن، چاپ احمد صقر، قاهره، ۱۹۷۷، ص ۱۵۹.

۲. [counterpoints؛ کنتریپوآن: فن ترکیب نغمات در موسیقی].

۳. «اَمْ يَقُوْلُوْنَ تَقَوْلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُوْنَ * فَلْيَاْتُوا بِحَدِيْثٍ مِثْلِهِ اِنْ كَانُوْا صَادِقِيْنَ» (طور: ۳۳-۳۴).

۴. بگو: اگر راست می‌گویید ده سوره ساختگی مانند آن بی‌آورید. (هود: ۱۳).

۵. این قرآن از جانب غیر خدا به دروغ ساخته نشده است بلکه تصدیق آنچه پیش از آن است بوده و تفصیل جزئیات کتاب است که در آن تردیدی نیست و از پروردگار جهانیان است (یونس: ۳۷).

۶. یا می‌گویند: آن را برساخته است؟ بگو اگر صادقانه سخن می‌گویید سوره‌ای مانند آن فراهم آورید و هر که را غیر از خدا می‌توانید فراخوانید (یونس: ۳۸).

۷. بگو: حقیقتاً اگر انس و جن گرد هم آیند تا نظیر این قرآن را پدید آورند، مانند آن را نخواهند آورد هر چند برخی از آنها پشتیبان دیگران باشند (اسراء: ۸۸).

□ ۷۹ اعجاز قرآن

برسد، و این که عقوبت اخروی^۱ در انتظار کسانی است که در این باره اقدام کنند و شکست بخورند، در آیات ۲۳-۲۴ سوره بقره تأکید شده است: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۲.

در اواخر حیات محمد [ص] در آن سوی مکه در شبه جزیره عربستان مخالفت‌هایی با رهبری دینی وی ابراز شد. طبق سیره ابن اسحاق، این امر زمانی رخ داد که افراد زیادی به اسلام گرویده بودند و بسیاری از قبایل نمایندگانی برای ادای احترام و بیعت با پیامبر اعزام کرده بودند. به محض آنکه اخبار بیماری محمد [ص] منتشر شد، بسیاری که پیشتر اسلام آورده بودند، مرتد شدند^۳ و در برابر پیامبر و خلیفه‌اش ابوبکر به عنوان حاکم امت اسلامی طغیان کردند. آنان که به مبارزه با محمد [ص] و حتی قرآن برخاستند، «کذابون» خوانده شدند. سرشناس‌ترین ایشان مُسَیْلِمَةُ بن حَبِیب از قبیله حَنِيف، طَلِيحَةُ بن حُوَيْلِد از قبیله اسد، و اسود بن کعب عَنَسِي بودند. در این میان، در ارتباط با قرآن و ادعای اعجاز آن، مُسَیْلِمَةُ بیشترین توجه را به خود جلب کرده و ادعاهای او در آثار کلامی بعدی به شدت رد شده است. مارگولیو (Origins, 485) گفته است که مُسَیْلِمَةُ پیش از محمد [ص] خود را به عنوان پیامبر معرفی کرده است، هرچند دیگران با این نظر مخالفند. این اختلاف به این موضوع مربوط است که آیا باید مُسَیْلِمَةُ را در تاریخ به منزله مقلد محمد [ص] تلقی کرد یا رقیبی دیرین و سابقه‌دارتر. هر یک از این دو ممکن است از شاهد زیر برداشت شود (به اختصار در: Watt, Musaylima). ابن اسحاق و طبری (متوفی ۳۱۰) چندین خبر گزارش کرده‌اند که مُسَیْلِمَةُ در صدد مذاکره با محمد [ص] بوده است، خصوصاً آنجا که وی به محمد [ص] پیشنهاد می‌کند رهبری نیمی از شبه جزیره عربستان از آن خود و نیمی دیگر (نیمه غربی) از آن

1. See ESCHATOLOGY.

۲. اگر در آنچه بر بنده خود [محمد] نازل کرده‌ایم شک دارید، سوره‌ای مانند آن بیاورید و گواهان خود غیر از خدا را فرا خوانید اگر صادق هستید * پس اگر [این کار را] انجام ندادید - و هرگز انجام نخواهید داد - در این صورت از آتش جهنم که سوختش مردمان و سنگها هستند و برای کافران مهیا شده است، بترسید (بقره: ۲۳-۲۴).

3. See APOSTASY.

محمد [ص] باشد و هر یک در محدوده تحت سیطره خود به عنوان پیامبر عمل کنند^۱ (ابن اسحاق، سیره، ج ۴، ص ۱۸۳؛ ۶۴۹، Ibn Ishaq-Guillaume). همزمان با حیات پیامبر، گروهی که مرتد شده بودند، به مبارزه با اقتدار محمد [ص] و کتابش برخاستند و ابوبکر ناچار شد سربازان مسلمان را برای تثبیت صلح اسلامی به سوی آنان اعزام کند. یک سال پس از وفات پیامبر، لشکر اسلام به فرماندهی خالد بن ولید، مسیلمه را در عقبراء به هلاکت رساند.

فضای فکری بحث اعجاز قرآن در سده‌های نخستین و میانه اسلامی

بازسازی نخستین مرحله شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن بر اساس منابع موجود کاری دشوار است. با توجه به هم‌آوردی‌ها و مخالفت‌های بسیاری از هم‌عصران پیامبر با وی و قرآن و کوششهایی که متکلمان بعدی مصروف داشتند تا بر ویژگیهای زبان‌شناختی فوق‌العاده قرآن در مقام اثبات نبوت محمد [ص] تأکید کنند، کمابیش محتمل است که مناقشات پیرامون مشخصه قرآن به عنوان نشانه اصالت رسالت محمد [ص] در طول دو قرن نخست پس از هجرت از مکه به مدینه^۲ رخ داده باشد؛ گرچه نخستین متون یا قطعات بازمانده که مستقیماً بر اعجاز قرآن دلالت دارند، به قرن سوم باز می‌گردند. پیش از مرور این شواهد، خوب است به اجمال فضای فکری و فرهنگی تمدن اسلامی را بررسی کنیم، زیرا فتوحات انجام شده بود و سرزمین‌های فتح شده و جوامع دینی آنها از شمال آفریقا تا آسیای میانه، تمدن اسلامی را دگرگون ساخته بود. اعتقاد به انبیا الهی که از میان مردم خود به پا خاسته و به سوی آنها مبعوث شده‌اند، وجه

۱. [ظاهراً مؤلف از عبارت ابن هشام و طبری نادرست برداشت کرده است. اصل عبارت چنین است: کان مسیلمه بن حبيب الكذاب كتب الى رسول الله صلى الله عليه و سلم: «من مسيلمة رسول الله الى محمد رسول الله: سلام عليك، أما بعد، فاني قد أشركت في الأمر معك، وان لنا نصف الأرض، و لقریش نصف الأرض، و لكن قریشا قوم يعتدون». بنابراین پیشنهاد مسیلمه آن بود که حکومت شبه جزیره را میان خود و قریش تقسیم کنند. این نامه را دو نماینده به دست پیامبر رساندند. پاسخ پیامبر (ص) به ایشان نیز خواندنی است: فقدم عليه رسولان له بهذا الكتاب. ... قال لهما [رسول الله] حين قرأ كتابه: فما تقولان أنتما؟ قالوا: نقول كما قال، فقال: أما والله لولا أن الرسل لا تقتل لضربت أعناقكم. ثم كتب الى مسيلمه: «بسم الله الرحمن الرحيم، من محمد رسول الله الى مسيلمة الكذاب، السلام على من اتبع الهدى، أما بعد: فان الأرض لله يورثها من يشاء من عباده و العاقبة للمتقين»؛ طبری، تاریخ الطبری، تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۱۴۶].

2. See EMIGRATION.

□ ۸۱ اعجاز قرآن

مشترک اعتقادی در میان یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و دیگر جوامع دینی بود که در سده‌های اول و دوم تحت حاکمیت اسلام قرار گرفته بودند. در این بافت فرهنگی و دینی مشترک، مدعیات پدید آمده درباره اعتبار کتب مقدس^۱ هر یک از این جوامع و پیامبرانی که این کتابها را با خود آورده‌اند، موضوع مجادلات بی‌وقفه و طولانی نه تنها در میان مسلمانان، مسیحیان، یهودیان و دیگران بلکه در بین فرقه‌های مسلمان گردید.^۲ متون متعددی مجادلات و مناقشات مخصوصاً بین مسلمانان و فرقه‌های مختلف مسیحی نظیر نسطوریان،^۳ یعقوبیان^۴ و مسیحیان ارتدوکس^۵ را که تحت حاکمیت اسلامی زندگی می‌کردند، گزارش می‌کنند (برای نمونه Griffith, Comparative religion). در نیمه دوم قرن سوم، علی بن سهل ربّی طبری کتاب الدین و الدولة را در دفاع از نبوت محمد [ص] تألیف کرد که در آن به معجزات و آیات نبوی از جمله قرآن احتجاج کرده است (Martin, Basrah, Mu'tazilah) 9, 8 and n. 177). همچنین متن مکاتبات جدلی بین عبدالله بن اسماعیل هاشمی مسلمان و عبدال‌مسیح کندی مسیحی که ظاهراً از درباریان خلیفه مأمون (حک. ۱۹۸-۲۱۸) بوده‌اند، در نیمه نخست قرن سوم به جای مانده است که مقصود اصلی این رساله نسبتاً مغرضانه و ضد اسلام، باز هم پیامبر و قرآن بود؛ هرچند هنوز هیچ یک از این رساله‌ها، پیچیدگیهای زبانی متون کلامی به جای مانده از سده‌های چهارم و پنجم درباره اعجاز قرآن را نداشتند. شاهد روشن‌تر در آثار کلامی در دفاع از اعجاز قرآن، چالشهایی است که از جانب خود اندیشمندان مسلمان صورت گرفته است. به چنین انتقاداتی اتهام الحاد زده می‌شد. از جمله کسانی که در آثار کلامی در مورد قرآن به کرات ملحد خوانده شده، ابن‌راوندی (متوفی حدود ۲۹۸) است؛ فیلسوف و متکلمی که در بسیاری از مطالبی که متکلمان سنی اواخر قرن

1. See SCRIPTURE AND THE QUR'ĀN.

2, See DEBATE AND DISPUTATION; POLEMIC AND POLEMICAL LANGUAGE.

۳. [نسطوریان، فرقه‌ای از مسیحیان شرقی در آسیای صغیر و سوریه‌اند که از آموزه‌های نسطوریوس (متوفی ۴۳۹م) اسقف قسطنطنیه پیروی می‌کنند].

۴. [یعقوبیان، پیروان یعقوب پالانی (متوفی ۵۴۱م)، اسقف آدس اورفا در آسیای صغیر، که کلیسای شرق را پایه‌گذاری کرد].

۵. [مسیحیان ارتدوکس، مسیحیان شرقی هستند که در سده پنجم میلادی به وجود آمدند و به همراه مسیحیان کاتولیک دو مذهب اصلی مسیحیت را تشکیل می‌دهند. اینان بر اثر اختلاف عقیدتی به تدریج از کلیسای روم جدا شدند].

سوم در دفاع از اعجاز قرآن نگاشته بودند، تردید کرد و علیه آنها کتاب نوشت (قس Kraus/Vajda, Ibn al-Rāwandī).

زمینه مهم دیگر برای نظریه اعجاز قرآن، گرایش دانشمندان مسلمان به نقد ادبی در اواخر قرن دوم هجری بود که به ویژگیهای ساختاری و زبان‌شناختی قرآن مربوط می‌شد. یکی از دانشمندان این حوزه در دوره معاصر نیز بر آن است که نخستین آثار نقد ادبی «هنوز به نظریه اعجاز قرآن نرسیده بود» (van Gelder, *Beyond The line*, 5). مشهورترین و اثرگذارترین آثار این حوزه عبارتند از: معانی القرآن فراء (متوفی ۲۰۷)، مجاز القرآن ابو عبیده (متوفی ۲۰۹) و تأویل مشکل القرآن ابن قتیبه (متوفی ۲۷۶). عامل دیگری که تا حدودی بر بالندگی گفتمان کلامی و ادبی حول اعجاز قرآن تأثیرگذار بوده است، اختلاف شدید بر سر مخلوق بودن قرآن است. معتزله، هرچند نه برای نخستین بار، جدی‌ترین حامیان این دیدگاه بودند که قرآن همچون دیگر ماسوی‌الله مخلوق خدا در زمان و مکان است. اختلاف کلامی درباره نظریه خلق قرآن در سال ۲۱۸ با دستور خلیفه تشدید شد. به دستور مأمون هر کس که در ابراز اعتقاد خویش به نظریه خلق قرآن کوتاهی کرده بود، باید در برابر قاضی یا شاهی از دربار مورد سؤال (محنت) قرار می‌گرفت. محدثان حنبلی و بعدها متکلمان اشعری با نظریه معتزله به مخالفت برخاستند؛ آنان در خلال یک سده پس از مأمون اعتقاد سنی ازلی بودن قرآن را به کرسی نشانند. این که اختلاف نظر درباره خلق قرآن به ادعای معجزه بودن قرآن مربوط شود، مسئله‌ای بسیار قابل توجه در تاریخ اندیشه اسلامی است (Bouman, *Le conflit*; Larkin, *Inimitability*). قرنهای سوم و چهارم زمان نظریه پردازی‌ها و مجادلات جدی کلامی در میان مذاهب اسلامی و در بین جوامع دینی مسلمان و غیرمسلمان بود. در این دوره بود که خطوط اصلی براهین و استدلال‌های مربوط به مسائل کلامی چون تثبیت دلایل نبوت محمد [ص] و اثبات قرآن به عنوان مهم‌ترین گواه آن بسط و توسعه یافت.

نظریات رسمی اعجاز قرآن

قاضی عبدالجبار بن احمد (متوفی ۴۱۴)، متکلم معتزلی، در بحث طولانی و گاه آشفته خود پیرامون معجزاتی که نبوت پیامبر را اثبات می‌کند، از متکلمان قرن سوم نام می‌برد که کتابهایی درباره این موضوع نگاشته‌اند. از این مأخذ و دیگر منابع معلوم می‌شود که در اواخر

□ ۸۳ اعجاز قرآن

قرن سوم گونه جدیدی از ادبیات پیرامون ادله اثبات نبوت (تثبیت دلایل النبوة) در میان متکلمان و دیگر دانشمندان مسلمان متداول شده است. ابوالهذیل (متوفی ۲۲۷) در شمار نخستین گروه از این متکلمان ذکر شده است (عبدالجبّار، تثبیت، ج ۲، ص ۵۱۱). بر مبنای منابع موجود نه با قطع و یقین بلکه با حدس و گمان می توان اذعان کرد که ابوالهذیل معتقد بود که قرآن معجزه است. شاگردش ابواسحاق ابراهیم بن سیار نظام (متوفی حدود ۲۳۰) این نظریه را مطرح کرد که قرآن ذاتاً معجزه نیست؛ بلکه در توانمندیهای زبانی انسانهای عادی که به زبان عربی تکلم می کنند، این امکان هست که کلامی همچون قرآن به وجود آورند. به نقل ابوالحسین خیاط (متوفی حدود ۳۰۰)، نظام می گفت قرآن به سبب عباراتی چند که در آنها از اخبار غیبی و حوادث آینده^۱ خبر داده است، حجت و سند نبوت پیامبر است. خیاط می گوید نظام بر این رأی بود که ویژگیهای زبان شناختی قرآن فراتر از توانمندیهای سخنوری انسان معمولی نیستند؛ علی رغم قول خدا که می فرماید: «حقیقتاً، اگر انس و جن گرد هم آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، نمی توانند همانند آن را فراهم آورند هر چند برخی از آنها دیگران را یاری کنند»^۲ (خیاط، انتصار، ص ۲۸؛ نک. اشعری، مقالات، ص ۲۲۵، س ۷-۱۳).

این استدلال، نظام را بر آن داشت تا این آیه و دیگر آیات تحدی را که بیشتر طرح شد، به گونه ای دیگر تفسیر کند. در یکی از کتابهای معتزلی (احتمالاً اواخر قرن چهارم) که به سنت تفسیر کلامی مکتب اعتزالی بصره تعلق دارد، گزارش زیر از رأی نظام عرضه شده است: «بدان که نظام این رأی را اتخاذ کرد که قرآن فقط از جهت صرفه معجزه است. معنای صرفه این است که اعراب قادر بودند سخنی همانند قرآن از لحاظ فصاحت و بلاغت زبانی بیاورند تا اینکه پیامبر مبعوث شد. در این هنگام این [خصیصه] بلاغی از ایشان گرفته شد و آنان از دانش خویش محروم شدند و بدین سبب آنان قادر نیستند کلامی همچون قرآن فراهم آورند ... نویسندگان بعدی با این مکتب فکری همراهی کرده و آن را مورد تأیید قرار دادند و استدلال های بسیاری در توجیه آن عرضه کردند» (Br. Mus Oriental 8613, fol. 17b [bot]-18a).^۳ عمرو بن بحر جاحظ (متوفی ۲۵۵) شاگرد پیشین نظام در بصره نظریه صرفه را

1. See HIDDEN AND THE HIDDEN.

۲. قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (اسراء: ۸۸).

3. See RHETORIC OF THE QUR'ĀN.

رد کرد. نیم قرن بعد، ابوهاشم^۱ (متوفی ۳۲۱) باز هم از مکتب اعتزال بصره و طرفداران وی در قرن بعدی که به بهشمیه معروفند، از یک سو و ابوالحسن اشعری، هم عصر ابوهاشم و بنیانگذار مکتب اشعری در کلام، و بخش اعظم اهل سنت در قرون بعدی از سوی دیگر به مخالفت با نظریه صرفه برخاستند. با این حال، در قرن چهارم نظریه صرفه در میان بعضی از متکلمان معتزله و شیعیان امامی در بغداد مقبولیت یافت (Martin, Basrah Mu'tazilah 181). گزارشی مبسوط از مجادله میان عبدالجبار و شریف مرتضی، رئیس شیعیان امامی در بغداد و مدافع جدی نظریه صرفه در نسخه خطی فوق الذکر ثبت شده است (Bar. Mus. Or. 8613, fol. 17b-28a). پس از نظام برخی از مدافعان نظریه صرفه نظریه‌های دیگر اعجاز قرآن را نیز که مبتنی بر تألیف، نظم و فصاحت زبانی قرآن بود، پذیرفتند.

جاحظ نخستین متکلم و ادیبی است که نوشته‌های وی در دفاع از نبوت پیامبر و ویژگی‌های سبک‌شناختی ممتاز قرآن تا حدودی به جای مانده است. در این میان، رساله کوتاه وی به نام رساله فی حجج النبوة و چندین عبارت کوتاه در اثر ادبی مشهور او کتاب الحیوان از همه مهم‌تر است. با اینکه اصطلاح اعجاز القرآن در هیچ یک از آثار وی دیده نمی‌شود، دیگر مشتقات این کلمه از ماده عجز، نظیر عَجَزَ، عاجز و مُعَجِز در عباراتی که در آنها از خصوصیات قرآن سخن به میان آمده، تکرار شده است (Audebert, al-Haṭṭābī, 63 and n. 3). در خصوص این که اصطلاح اعجاز از چه زمانی در مباحث کلامی و ادبی تداول یافته است، بومن^۲ بر مبنای دلایلی موجه بر آن است که این اصطلاح پس از فوت ابن حنبل (متوفی ۲۴۱) و پیش از درگذشت ابوعبدالله محمد بن زید واسطی، متکلم معتزلی (متوفی ۳۰۷)، مؤلف نخستین کتاب شناخته شده که لفظ اعجاز در عنوان آن آمده، یعنی کتاب اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه، رواج یافته است (Audebert, Bouman, *Le conflit*, s2, n.4; al-Haṭṭābī, 58-64). مادلونگ^۳ و آبراهامف^۴ گزارش می‌کنند که امام قاسم بن ابراهیم زیدی معتزلی (متوفی ۲۴۶) در کتاب خود المدیح الخیر در دفاع از اعجاز قرآن استدلال کرده

۱. [جبائی، عبدالسلام بن محمد؛ برای اطلاع بیشتر از احوال و آرای وی نگاه کنید به: جبائی، ابوهاشم، دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، ص ۵۴۴-۵۵۰].

2. Bouman.

3. Madelung.

4. Abrahamov.

□ ۸۵ اعجاز قرآن

است (Madelung, *Der Imam*, 125; Abrahamov, *Anthropomorphism*, 19) که بدین ترتیب خاستگاه این اصطلاح را به زمانی نزدیک‌تر به دوران اوج علمی جاحظ می‌رساند. نظریه صرفه نظام در اعجاز قرآن توسط شاگرد برجسته‌اش جاحظ ابطال شد. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، جاحظ در پاره‌ای عبارات، از جمله در رساله‌ای درباره دلایل نبوت، ادله خود علیه نظریه صرفه نظام را عرضه کرده است. جاحظ بیان می‌دارد که قرآن به سبب ترکیب (تألیف) و ساختار یا چینش کلماتش (نظم) معجزه است. باقلانی (متوفی ۴۰۳) می‌گوید جاحظ نخستین کسی نیست که درباره نظم قرآن کتاب نوشته است و کتاب او چیزی بر آنچه متکلمان پیش از او نگاشته‌اند، نیفزوده است (باقلانی، اعجاز، ص ۶؛ نک. Audebert, *al-Hatṭābī* 58 and n. 7). این در حالی است که تا زمان باقلانی یعنی یک قرن و نیم بعد از جاحظ، بر اختلاف نظر اشاعره و معتزله درباره اینکه اعجاز زبان قرآن منوط به چیست، بسیار افزوده شده بود. گرچه جاحظ نخستین کسی نبود که نظریه اعجاز قرآن را به صراحت بیان می‌کرد ولی بی‌تردید وی بر معتزله و اشاعره پس از خود که از اعجاز به عنوان خصیصه اصلی قرآن دفاع می‌کردند، اثر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. با اینکه اشاعره پس از جاحظ، از او به سبب فهم خاصی که از مفهوم نظم قرآن عرضه کرده بود، انتقاد کردند، نخستین گامهای نفوذ و تأثیر نقد ادبی در احتجاجات کلامی توسط وی برداشته شد و برهان عمومی درباره اعتقاد روزافزون به اعجاز قرآن در میان اغلب اندیشمندان اهل سنت و برخی از دانشمندان شیعه شکل گرفت.

همه متکلمان رأی جاحظ درباره اعجاز قرآن و مفهوم صرفه نظام را ناسازگار تلقی نکردند. علی بن عیسی رمانی (متوفی ۳۸۴) نحوی و متکلم معتزلی مکتب بغداد بود که ابوبکر احمد بن علی اخشیذ (متوفی حدود ۳۲۰) آن را بنیاد نهاده بود. اخشیذیه مخالفان سرسخت بهشمیه، شاخه بصری معتزله به زعامت ابوهاشم جبایی (متوفی ۳۲۱) بودند (ابن‌المرتضی، طبقات، ص ۱۰۰، ۱۰۷). رمانی معتقد بود که اعجاز قرآن هفت وجه دارد. در واقع وی عصاره‌ای از وجوهی که پیش از این ذکر شد، در بیان اعجاز قرآن برشمرده است؛ مثلاً این که اعراب برای آوردن چیزی نظیر قرآن به هم‌آوردی برخاستند ولی توفیق نیافتند؛ این که قرآن در سطحی از بلاغت قرار گرفته است که بر آنچه عادتاً حتی نزد بلیغ‌ترین اعراب معجزه شمرده می‌شد، تفوق یافته است (نقض العاده)؛ و این که معجزه قرآن هم‌مطراز شکافتن

بحر احمر به دست موسی (ع) و زنده کردن مردگان توسط عیسی [ع] بوده است. به علاوه رمانی همچون نظام صرفه و پیشگویی‌های پیامبر درباره حوادث آینده را نیز از وجوه اعجاز برشمرده است. رمانی بر مبنای تحلیل ده مورد از صنایع ادبی که بلاغت قرآن را شکل می‌دهد، بخش عمده‌ای از کتاب خود *النکت فی اعجاز القرآن* را به براهین اثبات اعجاز ذاتی زبان قرآن تخصیص داده است و این در حالی است که توضیح نداده با وجود این تناقض آشکار چگونه میان این رأی و نظریه صرفه آشتی می‌دهد. (Rippin and Knappert, 49-59)

جدی‌ترین مخالفان معتزلی ابن‌اخشید و رمانی، شاگردان مکتب بصره معروف به بهشمیه بودند که در اوایل قرن چهارم به بغداد رفتند. در طول دو قرن بعدی چندین تن از شاگردان مشهور ابوهاشم از آرای وی درباره اعجاز قرآن دفاع کردند. در آثار به جای مانده از عبدالجبار (مغنی، ج ۱۵ و ۱۶؛ شرح، ص ۵۶۳-۵۹۹) و شرحی متأخر از یکی از شاگردانش، ابورشید نيسابوری، به نام *زیادات شرح الاصول*، نظریه کلامی اعجاز قرآن بر مبنای مکتب بصره و مجادلات ایشان با بسیاری از مخالفان، از متکلمان و فلاسفه گرفته تا ملحدان و اندیشمندان دینی غیرمسلمان با دقت طرح شده است. دل‌مشغولی عقلانی اعتزال بصری موجب شد تا نتیجه منطقی معجزه نبوی (عبور موسی از بحر احمر، زنده کردن مردگان به دست عیسی، قرائت متن مقدس اعجاز‌آمیز توسط محمد) به عنوان برهانی مسلم برای این اعتقاد تلقی شود که کسانی که معجزه بیاورند، واقعاً پیامبرند. بنابراین، نظریه اعجاز قرآن بنا به رأی معتزلیان بصری، برهانی علیه این باور رایج بود که پیران صوفی، امامان شیعه،^۱ ساحران و جادوگران نیز می‌توانند حقیقتاً معجزه کنند. متکلمان معتزلی این را که چنین اشخاصی وجود دارند یا مدعی‌اند که قادر به انجام کارهایی اعجاز‌آمیزند، نفی نمی‌کردند؛ آنان منکر این بودند که آنچه چنین شخصیت‌های دینی انجام می‌دهند، همچون قرآن به واقع معجزه باشد.

عبدالجبار چهار شرط ضروری برای اینکه یک کار حقیقتاً معجزه باشد، بیان می‌کند. نخست، آن عمل باید مستقیماً یا غیرمستقیم از جانب خدا باشد. دوم، باید خرق عادت کند (نقض العاده)، نظیر شکاف موقتی بحر احمر. سوم، انسانها باید از انجام چنین معجزاتی از لحاظ جنس و صفت عاجز باشند، که به طور ضمنی به تلاش مسیلمه در جلب طرفداران

1. See IMĀM.

□ ۸۷ اعجاز قرآن

خود با آوردن چیزی شبیه قرآن اشاره دارد. نهایتاً، یک معجزه باید صرفاً از آن کسی باشد که مدعی پیامبری است (عبدالجبّار، شرح، ص ۵۵۹، س ۱۵-۵۶۱، س ۸). این رأی دربارهٔ اعجاز قرآن که بر فصاحت و بلاغت زبانی آن استوار بود، در طول قرن چهارم به مفهومی متعارف و مقبول از اعجاز سبک شناختی قرآن بدل شد.

قابل ذکر است که دانشمندان اهل سنت و اشاعره به رغم انتقاد شدید خود از معتزله به دلایل دیگر، با خطوط اصلی نظریهٔ معتزلی کلامی اعجاز قرآن توافق داشتند. حمد بن محمد خطّابی (متوفی حدود ۳۸۶)، دانشمند اهل سنت معاصر رمانی و عبدالجبّار نظریهٔ صرفه را رد کرده است. در عین حال وی این رأی رمانی معتزلی را که قرآن مشتمل بر درجه‌ای از صنایع بلاغی است که برای انسان [عادی] دست‌نیافتنی است، نمی‌پذیرد (Audebert, al-Hatṭābī, 107-8). کتاب خطّابی، بیان اعجاز القرآن که منتشر شده است، حاکی از توجه بیشتر وی به وجوه ادبی اعجاز به جای ادلهٔ کلامی معتزلیان و اشاعره است، هرچند در نهایت تفکیک این دو نوع استدلال در این کتاب دشوار است (نک. Audebert, al-Hatṭābī).

متکلمان اشاعره در اواخر قرن چهارم و قرن پنجم بیشتر به تکمیل ادلهٔ ادبی برای مدعای اعجاز قرآن پرداختند. باقلانی، که پیشتر از وی سخن رفت، چندین کتاب دربارهٔ نبوت و معجزات نگاشته است که مهم‌ترین آنها کتاب اعجاز القرآن است. باقلانی در این کتاب خود را به عنوان فردی غیرمتخصص در نظریهٔ ادبی عربی معرفی می‌کند که می‌خواهد نشان دهد انسانها نمی‌توانند به سطح سبک‌شناختی قرآن دست یابند؛ هرچند وی برخلاف معتزله، نمی‌پذیرد که ادلهٔ کلامی اعجاز با برتری زبان‌شناختی قرآن قابل اثبات باشند (von Grunebaum, *Tenth century document*, xviii, 54-55). عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱)، دانشمند ادبیات عرب، نظریهٔ اشعری اعجاز سبک‌شناختی قرآن را در متقن‌ترین سطح عقلانی عرضه کرد. در دلایل اعجاز القرآن جرجانی براهین محکمی علیه نظریهٔ کلامی معتزلی عبدالجبّار ارائه شده است که بدین ترتیب نظریهٔ اشعری متفاوتی را دربارهٔ اعجاز بنیاد نهاده است. در حالی که جاحظ، رمانی، باقلانی، عبدالجبّار و دیگران، نظریه‌های اعجاز خود را بر خصوصیات بی‌نظیر ترکیب (نظم) کلمات و عبارات قرآن بنا نهاده بودند، که در نتیجه اعجاز قرآن صرفاً منوط به سبک و زبان قرآن می‌شد، جرجانی بیان می‌داشت که ترکیب کلی قرآن اعم از معنا و عبارت آن، معجزهٔ حقیقی است (Larkin,

(Theology of meaning).

به دنبال مباحث گسترده و پرشور اعجاز قرآن که اندیشمندان چون عبدالجبار، ابورشید نيسابوری، باقلانی و جرجانی در قرن چهارم و پنجم طرح کردند، متکلمان و ادیبان مسلمان در سده‌های بعد و دوره معاصر استدلال‌های پیشین را بهبود بخشیده و براهین جدیدی نیز عرضه کرده‌اند. در قرن بیستم تنی چند از اندیشمندان مسلمان نظیر محمد عبده، سید قطب و عایشه عبدالرحمان بنت الشاطی کوشیدند توضیح دهند چه چیز موجب تمییز تفوق سبک‌شناختی قرآن بر دیگر آثار ادبی-هنری عربی است Boullata, Rhetorical (interpretation, 148-154). دغدغه اصلی اغلب نویسندگان معاصر، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی عربی به مثابه اساس حقیقی اعجاز قرآن بوده است. در مقابل به نظر می‌رسد وجه کلامی نظریه‌های اعجاز که در سده‌های میانه به شدت محل مناقشه و بحث بودند، در آثار امروزی اهمیت چندانی ندارند.^۱

□

منابع: فارسی، عربی

- اخوان ثالث، مهدی، نقیضه و نقیضه‌نویسان، به کوشش ولی الله درودیان، تهران، ۱۳۷۴.
- ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق المسماة بکتاب السیر والمغازی، چاپ سهیل زکار، بیروت ۱۹۷۸/۱۳۹۸.
- ابن هشام، سیره، چاپ طه عبدالرؤف، ۴ مجلد، بیروت، ۱۹۸۷/۱۴۰۸.
- ابن المرتضی، کتاب طبقات المعترلة، چاپ دیوالد ویلرز، ویسبادن ۱۹۶۱.
- أشعری، أبوالحسن، کتاب مقالات الاسلامیین، چاپ هلموت ریتز، ویسبادن ۱۹۶۳.
- باقلانی، إعجاز القرآن، چاپ احمد صقر، قاهره، ۱۹۵۴.
- جاحظ، کتاب الحيوان، چاپ عبدالسلام هارون، ۷ مجلد، قاهره ۱۹۵۴.
- همو، کتاب حجج النبوة، در: سندوری (ویراستار)، رسائل الجاحظ، قاهره ۱۹۳۳.
- جرجانی، دلائل الاعجاز، چاپ محمود محمد شاکر، قاهره؟ ۱۹۸۴.
- خیاط، ابوالحسین، کتاب الانتصار، ترجمه به فرانسه نادر، بیروت ۱۹۵۷.

1. See CONTEMPORARY CRITICES AND THE QUR'ĀN; EXEGESIS OF THE QUR'ĀN: CLASSICAL AND MEDIEVAL; EXEGESIS OF THE QUR'ĀN: EARLY MODERN AND CONETMPORARY.

□ اعجاز قرآن ٨٩

دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۷۵، ج ۹.
رمّانی، النکت فی إعجاز القرآن، در: محمد خلف الله و محمد زغلول سلام (ویراستاران)،
ثلاث رسائل فی إعجاز القرآن، قاهره، ۱۹۵۵؛ ترجمه انگلیسی در:

Rippin and J. Knappert (eds. and trans.), *Textual sources for the study of Islam*, Chicago 1990, 49-59.

طبری، تاریخ الطبری، تاریخ الأمم والملوک، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، ۱۹۷۹.
عبدالجبّار بن أحمد، تثبیت دلائل النبوة، چاپ ع عثمان، ۲ مجلد، بیروت ۱۹۶۶.
همو، شرح الأصول الخمسة، چاپ عبدالکریم عثمان، قاهره ۱۹۶۵.
همو، کتاب المغنی فی أبواب التوحید والعدل، چاپ طه حسین و دیگران، ج ۱۴ (از ۲۰ مجلد)، قاهره ۱۹۶۰-۱۹۶۹.

□

منابع: لاتینی

- B. Abrahamov (ed. and trans.), *Anthropomorphism and the interpretation of the Qur'ān in the theology of al-Qāsim ibn Ibrāhīm. Kitāb al-Mustarshid*, Leiden 1996;
- C-F te Audebert, *Al-Ḥaṭṭābī et l'inimitabilité du Coran. Traduction et introduction au bayān i'jāz al-Qur'ān*, Damascus 1982.
- I. J. Boullata, *The rhetorical interpretation of the Qur'ān. i'jāz and related topics*, in A. Rippin, *Approaches to the history of the interpretation of the Qur'ān*, Oxford, 1988, 139-157;
- J. Bouman, *Le conflit autour du coran et la solution d'al Bāqillānī*, Amsterdam 1959;
- J. van Ess, Some fragments of the *Mu'āraḍat at Qur'ān* attributed to Ibn al-Muqaffa', in W. al Qāḍī (ed), *Studio Arabica et islamica. Festachrift for Ihsan 'Abbās on his sixtieth birthday*, Beriut 1981, 151-163;
- G. j. H. van Gelder, *Beyond the line Classical Arabic Literary critics on the coherence and unity of the poem*, Leiden 1982;
- G. Gilliot, *Exégèse, langue, et théologie en Islam. L'exégèse coranique de Ṭabarī (m. 310/923), 73-79 (esp. 73-75: abridged translation of Ṭabarī, ed. Shākir, i, 8-12 on inimitability)*;
- S. Griffith. Coparative religion in the apologetics of the first Christian Arabic theologians, in *Proceedings of the patristic, medieval and renaissance conference*, Villanova 1979, 63-87;
- G. E. von Grunebaum. *A tenth-century document of Arabic literary theory and criticism. The sections on poetry of al-Bāqillānī's I'jāz al-Qur'ān. Translated and annotated*, Chicago 1950;
- Ibn Ishaq-Guillaume, *The Life of Muhammad, a translation of Ibn Ishaq's Sirat Rasul Allah*, Oxford 1955;

- A. M. al-Jemaey, *al-Rummānī's al Nukat fī I'jāz al-Qur'ān. An annotated translation with introduction, Ph.D. kiss., Indiana 1987;*
- N. Kermani, *Gott is Schö n. Das Ästhetische Erleben des Koran*, Munich 1999;
- P. Kraus/G. Vajda, Ibn al Rāwandī, in *EL²=Encyclopaedia of Islam*, new ed., Leiden 1954-2002, iii, 905-906.
- E. W. Lane, *An Arabic-English lexicon*, 1 vol., in 5 parts, London 1963-93;
- M. Larkin, The inimitability of the Qur' ā. Two perspective, in *Religion and literature* 20 (1988) 31-47;
- id., *The theology of meaning. 'Abd al Qāhīr al Jurjānī's Theory of discourse*, New Haven 1995;
- W. Madelung, *Der Imām al- Qāsim ibn Ibrāhīm und die Glaubenslehre der Zaiditen*, Berlin 1965;
- D. S. Margoliouth, On the origin and import of the names Muslim and ḥanīf, in *JRAS=Journal of the Royal Asiatic Society* 1903, 467-493;
- R. C. Martin, The role of the Basrah Mu'tazilah in formulating the doctrine of the apologetic miracle, in *JNES=Journal of Near Eastern Studies* 39 (1980), 175-189;
- M. Radscheit, *Die koranische Herausforderung. Die taḥaddī-Verse in Rahmen der Polemikpassagen des Korans*, Berlin 1996;
- Y. Rahman, The miraculous nature of Muslim scripture, A study of 'Abd al-Jabbār' *Ṣ'jāz al-Qur'ān*, in *Islamic Studies* 35 (1996), 409-426;
- A. Schippers, Mu'arāḍa, in *EL²*, vii, 664-665;
- W.M. Watt, *Bell's introduction to the Qur'ān*, Edinburgh 1970;